

امواج بیداری و خیزش انقلابی اسلامی

علیرضا صدرا

چکیده

تحولات مسلم جاری منطقه خاورمیانه بزرگ اسلامی (آسیای غربی و شمال آفریقا) یک اتفاق تصادفی یا حادثه جدید، ظاهری و احساسی نبوده و نیست. بدانسان که برخی با تفاسیر نارسا یا نادرست و با تحلیل‌ها و تعابیری همچون نارضایتی اقتصادی و یا بهار عربی سعی در القای آن داشته و دارند. بلکه جریان ریشه دار؛ زایا، پویا و پایای بالنده تجدید تفکر و تمدن اسلامی است. با پیشینه مدنی (تجدید حیات امت اسلامی) و پشتوانه دینی (مکتب جهانی و جاویدان اسلام)، سیر متکامل (چندین قرنه جدید) و ساختاری کمابیش جامع (انقلابی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) می‌باشد. که در پی استقلال از سلطه و نفوذ استکباری بیگانه و آزادی از ملکوکیت‌های سلطنتی مطلقه استبدادی ارتجاعی و غالباً یا نوعاً وابسته و جایگزینی نظام سیاسی مردم سالاری دینی و اسلامی است. ولو در کشورها، نظامات و جوامع مسلمان متمایز و حتی با مذاهب متفاوت، از حیث شیوه، شتاب و نیز شکل متفاوتند. انقلاب اسلامی ایران، که خود موج سوم بیداری و خیزش انقلابی اسلامی پس از نهضت ضد استبدادی آزادای خواهی مشروطیت و نهضت ضد استعماری استقلال طلبی در جهان اسلام و در ایران تحت عنوان نهضت ملی نفت، به نوبه خود آغاز گر و الهام بخش پس موج‌های بیداری و خیزش انقلابی اسلامی در منطقه و فراتر از آن گردیده است. پس موج نخست انقلابی؛ مقاومت اسلامی و پس موج دوم آن بیداری جاریست. در این مقال که در پژوهشی تحت عنوان چشم انداز اندیشه سیاسی جهان اسلامی در دانشگاه تهران انجام پذیرفته است، به امواج سه گانه بُرد و گستره کوتاه، میان و بلند مدنی، دینی و انقلابی ملی، منطقه ای و جهانی جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی بمثابه زیرساخت راهبردی و راهبرد زیرساختی نوخیزی و اعم موارد پیش گفته نگاهی گذرا انداخته و اهم موارد مربوطه را به اجمال از نظر می‌گذرانیم. که با امواج بلند سه گانه مدنی (گذار به مدنیت با تاسیس دولت و حکمت جاویدان شرقی-ایرانی)، مادی (و

فناوری ابزاری مدرن غربی) و معنوی(اسلامی ایران و جهان اسلام) تا مرز
مهدوی(جهانی شدن اسلام) به هم پیوسته و آمیخته شده است.
کلید واژگان: بیداری، خیزش، انقلاب و انقلابی، اسلام و اسلامی، استقلال، آزادی،
جمهوری اسلامی
***نشانگان:** /: یا، +: به اضافه، ←: در نتیجه، ...

مقدمه

«شکی در این نیست بر اساس حقایقی که خدای متعالی تقدیر کرده است، خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت، و این خاورمیانه، خاورمیانه اسلام خواهد بود»

(مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۸/۲۸).

پدیده هم نه چندان قابل پیش بینی و در عین حال هم نه چندان غیر قابل پیش بینی تحولات منطقه خاورمیانه عربی در آسیای غربی (غرب آسیا)، طی سال های اخیر تاکنون، نه یک حادثه ظاهری بوده و پدیده ای مقطعی و گذرا نیز نمی باشد. که بنا به تعبیر سعدی؛ «آنچه زود آید دیر نپاید» و اینکه «باد آورده را باد می برد» (گلستان). بدانسان که برخی تحلیل گران، رسانه ها و دولت های سلطه گر غربی-صهیونیستی و عربی-ارتجاعی، مایل بدان بوده و آن را تبلیغ کرده و رواج می دهند. چنانکه اطلاق «بهار عربی» بدان نیز بدین منظور است. به منظور تبلیغ این معنا که حادثه ای احساسی بوده و بسرعت و بزودی پسا تابستانی گرم و سوزان به خزان برگ ریزان نشست و به زمستان غروب خاموشی می گراید. حال این که پدیداری اتفاقی نبوده که زود آمده است و دیر نپاید. برعکس جریانی دور زاد و دیرپاست. حادثه ای عارضی و باد آورده نیست که باد ببرد. بلکه بیداری و جوششی ذاتی و درونزاد است. که حرکت، خروش و خیزش اعم از؛ کنش و روش بیرونی، بروز و برآمد بارور و باروری آنست. و به مصداق؛ یکی؛ «تلك الایام نداولها بین الناس» (۳/آل عمران؛ ۱۴۰) یعنی جابجایی و جایگزینی تمدنی و دیگری و بر این اساس؛ «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (۱۳/رعد؛ ۱۱) یعنی اینکه تغییر سرنوشت و ساخت و سیاست هر جامعه ای به تغییر سرشت؛ ارزش ها، بینش و منش درونی همو ارجاع داده شده، از آنجا ناشی شده و معلول و مرهون آن می باشد. به همین سبب چنین دیگرگونی؛ تغییر و تحولی سرشتین و سرنوشت ساز است. جریانی تاریخ ساز و تمدن پرداز بوده و حتی جریان تاریخ سازی و تمدن پردازی به شمار می آید. جریان و جریانی حساس با حساسیت و احساس مسئولیت خطیر اسلامی، دینی و حتی انسانی و فطری آحاد مسلمانان و گروه ها و جوامع امت در حال بیداری و خیزش مسلمان و اسلامی است. اعم از

شیعی و سنی می باشد. جریانی سرشت ساز یا سرشتین و سرنوشت ساز پویا و حتی پایا و نیز زایا بوده و در نتیجه بالنده فراگیر، فرارونده و فراگستر می باشد. و بایسته و شایسته است این جریان اینگونه تلقی، تعبیر و نیز تفسیر شده و بدین گونه تبلیغ و ترویج گشته و ترسیم و تحقق یابد که می یابد. چرایی، چیستی و چگونگی این گفتمان جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی، همچنان مبهم نموده و محل پرسش و چالش است. چگونگی و نمودشناسی یعنی شناخت مظاهر؛ کمیت و ابعاد، کیفیت، کنش و واکنشها و سایر عوارض این جریان با این مختصات، بدون چیستی شناسی یعنی شناخت ماهیت یا مبانی ماهوی آن، نه تنها مشکل بوده بلکه اشکال آفرینست. به نوبه خود شالوده شکافی و شالوده شناسی یعنی شناخت شالودی و شالوده های این گفتمان جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی در پاسخ به چرایی که نشانگر حقیقت یا مبادی بنیادین و غایی آنست، نیز حائز کمال اهمیت بوده و می باشد. این ها مراتب سه گانه پدیده و پدیده شناسی یا جریان و جریان شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی منطقه و منطقه ای و نیز جهان و جهانی اسلام است. معرفت شناسی یعنی امکان، حدود، مراتب و منابع شناخت اعم از شناسایی و شناساندن و نیز روش شناسی، مقدم بر پدیده شناسی و هر سه پرسمان پدیده و پدیده شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی را تشکیل داده و بر می نمایند. هرگونه کاستی یا نارسایی و نادرستی یا ناسازواری در این شناخت؛ شناسایی و شناساندن، موجب و موجد اشکال مشکل آفرین در مهندسی راهبردی و راهبرد مهندسی، مدیریت راهبردی و راهبرد مدیریت و در آسیب شناسی . آسیب زدایی راهبردی و راهبرد آسیب شناسی(پاتولوژی) و آسیب زدایی(ایمنولوژی؛ ایمنی سازی) آن بوده و خواهد بود. در هر سطح و برای هر کس و هر طرفی. چه جبهه خودی و دوست و بویژه مقاومت اسلامی بوده و چه دشمن و جبهه مقابل و مخالف باشد. چه موافق و چه مخالف بوده و همچنین چه انقلابی، چه غیر انقلابی و حتی ضد انقلابی بشمار آید. این چنین شناخت و تحقیقی؛ شناخت و تحقق دقیق و درست بنیادین، جامع، نظاممند و هدفمند بوده یا نیازمند آنست. شناسایی و شناساندن و نیز ترسیم و تحقق از شالوده ها تا شاخصه های بیداری و خیزش انقلابی و اسلامی را فراگرفته و فراهم

آمده و برآمد آنهاست. شناخت از سویی-پیشینه و پشتوانه، سیر و ساختار و از سوی دیگر-چشم انداز و چالش پدیده و جریان بیداری و خیرش انقلابی اسلامی نیز به نوبه خود چالش خیزست. پیشینه تاریخی و تمدنی، پشتوانه دینی و مکتبی اسلامی، سیر متکامل و تحولی و ساختار کمال و کامل بیداری و خیزش؛ انقلابی و اسلامی در میانه و چشم انداز استقلال، آزادی و مردم جمهوری اسلامی، توسعه متعالی، همگرایی و همبستگی جهان اسلامی و تجدید تمدن جهانی اسلام، چالش انقلاب و انقلابی، ارتقای کارآمدی نهضت و نظام های سیاسی انقلابی بویژه نظام سیاسی انقلابی بی بدیل جمهوری اسلامی بدیع ایران، با بیش از سه دهه پیشوایی و پیشگامی تجربه پر بار انقلابی مردم سالاری دینی.

درآمد

اول) پدیداری پدیده انقلاب اسلامی

پدیداری پدیده شگرف انقلاب اسلامی و پیروزی آن در ایران و از ایران در آغاز هزاره پانزدهم هجری قمری و در دهه های واپسین قرن بیستم میلادی، فراتحلیل دانسته و خوانده شد (ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند؟ میشل فوکو، و برخی رسانه های دیگر از جمله به نقل از ریاست وقت سازمان سیا آمریکا). قرنیه که؛ قرن مرگ دیانت و خدا (تعبیر مرگ خدا و «خدا مرده است»؛ از نیچه در «چنین گفت زرتشت» و برخی از سایر آثار) و پایان تاریخ (نظریه فوکویاما) و هژمونی مدرنیسم و بویژه لیبرالیسم تلقی و تعبیر می شد. انقلابی که به تعبیر حضرت امام خمینی (ره)؛ «انفجار نور» و «عجاز آمیز» بود (صحیفه نور). پدیداری و بویژه پیروزی آن در ایران، موجی شده که هم اینک شاهد پس موج های پیامد آن یکی پس از دیگری هستیم. به تعبیری بیداری و خیزی انقلابی اسلامی منطقه و جهانی اسلام، پس موج ها و پس لرزه های زلزله عظیم و موج سونامی فزاینده انقلاب و انقلابی اسلامی می باشند. پس موج هایی که در گستره جهان اسلام، در ایران اسلامی پدیدار شده و از آنجا تموج یافته و می یابد.

انقلابی با شعائر شعور خیز شور انگیز و حکمت آمیز حرکت آفرین؛ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی می باشد. شعائری که هم اینک در تمامی جریانات و در تمامیت

جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی شاهد آن هستیم. ولو کمابیش و با تفاوت شیوه و شدت و شتاب که به تناسب مقتضیات هم ملی و هم مذهبی هر یک از این کشورهاست. استقلال از سلطه بیگانه و وابستگی سیاسی-نظامی، اقتصادی و فرهنگی نه تنها نیروها و نهادها و نیز دولت‌ها و قدرت‌های بیگانه استکباری یا امپریالیسم؛ چه شرق و چه غرب، با شعار نه شرقی و نه غربی، می‌باشد. بلکه استقلال از سلطه و وابستگی نظری و علمی به نگاه، نظریه و مکتب مدرنیسم اعم از لیبرالیسم و سوسیالیسم و فراتر از آن استقلال از سلطه و وابستگی مدل (ساختاری و نهادی) و الگوی (روابط و رفتاری)؛ چه لیبرالیسم یا کاپیتالیسم یعنی سرمایه‌سالاری و چه توتالیتریسم یا دولت‌سالاری است. که یکی یعنی لیبرالیسم و سرمایه‌سالاری هم اینک با بحران فزاینده تا سر حد بن بست مواجه بوده و در معرض فروپاشیست. و دیگری یعنی سوسیالیسم بویژه کمونیسم و بالخصوص مارکسیسم و توتالیتریسم پیشتر با فروپاشی شرق و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی روسیه فروپاشیده و به پایان راه و اتمام تاریخ مصرف خود رسیده است. هر دو در حقیقت، در ماهیت و در واقعیت، اشکال حقیقت نادرست، ماهیت نارسا و ناسازوار و واقعیت ناکارآمد یا با کارآمدی تک ساحتی مادی و تنازعی طبیعی فرویدیسمی (سود و سودا یا ثروت و لذت گرایی) و داروینیستی (سلطه‌گرانه امپریالیستی) مشکل‌آفرین فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را بروز داده‌اند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران یا در ایران و حتی از ایران و نمونه ایران و تأسیس نظام بدیع جمهوری اسلامی در این دیار، این جریان را برجسته کرده و باور آن و بدان را بارور نموده و نهادینه و نمایندگی ساخت. از سر گذراندن و پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز هر چه تمامتر مراحل شکل‌گیری و بلکه مراتب وجودی تحول و تکامل این نظام و در حقیقت تحقق این نگاه و نظریه، الهام و امید بخشی زیادی را فراهم و هم ایجاب ساخته و هم ایجاد نموده است. مراحل و مراتب انقلابی؛ یکی و نخست گذار، نهادسازی و تأسیس نظام سیازی جمهوری اسلامی ایران، دوم تثبیت و دفاع مقدس و سوم بازسازی، توسعه زیربنایی و سازندگی می‌باشد. و در دهه چهارم و چهارمین دهه حیات پربار خویش نیز به عنوان چهارمین

مرحله یا مرتبه چهارمین، هم اینک توسعه متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی خود را فراز آینده خود دارد. کما این که و در عین حال با چالش ارتقای هرچه فراتر کارآمدی و روزآمدسازی فرارو می باشد. این نظام و کارآمدی و توفیقات روزا افزون آن؛ هم فرصتی تاریخی برای اسلامیت و ثبوت و اثبات کارآمدی و جمهوریت آن و از سویی بوده و هم فرصتی تاریخ ساز برای جمهوریت و تعادل و مشروطیت آن یعنی جمهوری متعادل و حتی متعالی مشروطه اسلامی و از دیگر سو می باشد. بویژه در قیاس با جمهوری های مطلقه و دموکراسی های افراطی و سرمایه سالاری های بحرانی و بحران زا که خود نوعی سلطنت استبدادی مرکب(بسان جهل مرکب در قیاس جهال بسیط) و پنهانی بوده و می باشد.

دوم) جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی

جریان بیداری و خیزش اسلامی جاری را می توان در سه سطح و گستره کوتاه بُرد و کوتاه مدت، میان بُرد و میان مدت و بلند بُرد و بلند مدت مطرح و مطمح نظر قرار داد.

یکی و در کوتاه مدت و کوتاه بُرد؛ در بُرد انقلاب و انقلابی اسلامی می باشد. و در گستره منطقه به اصطلاح خاورمیانه بزرگ عربی و اسلامی و در واقع آسیای غربی و شمال افریقا جریان دارد.

دیگری و در میان مدت و میان بُرد؛ در بُرد تجدید حیات دینی و تمدنی اسلامی است. و در گستره جهان اسلام بوده و محسوب می گردد.

سوم و در بلند مدت و بلند بُرد؛ در بُرد معنا و معنویت گرایی و تمدن معنوی و متعالی می باشد. و پسا مدنیت و مادیت گرایی نخستین یا میانی و جدید تحت عنوان مدرنیسم است. به مثابه حرکتی پسامدرنیستی و پسا پست مدرنیستی و فرامدرنیستی و در گستره جهانی می باشد. یعنی در گستره جهان اسلام بوده و بلکه در گستره مسلمانان جهان و در گستره جهانی به شمار می آید. از سلطه ستیزی جهانی بوده و تا معنویت و دیانت گرایی جهانی می باشد.

در کوتاه بُرد و کوتاه گستر؛ همان گونه که اشاره شد؛ این ها امواج و پس موج ها و پس لرزه های موج بلند انقلاب اسلامی بوده که در ایران و به تعبیری از ایران پدیدار و پیروز شد.

پس موج اول حرکت های نخستین در سرتاسر منطقه و جهان اسلام بلافاصله پس پیروزی انقلاب و در سالیان و آغازین توفیق تاسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نمایان گر موج و پس موج نخستین آن بود. مقاومت لبنان و انتفاضه(های) فلسطین و حتی پیروزی اسلام گرایان در بسیاری از سایر کشور ها در انتخابات محلی و ملی تا روی کار آمدن دولتی با ادعای اسلام گرایی در ترکیه، همگی از آثار موج و پس موج نخستند.

پس موج دوم از قریب دو سال پیش از تونس آغاز شده و تا مصر را در نوردیده است. هم اینک بحرین و یمن در این موج یا پس موج و در این جریانند.

پس موج سوم و سومین موج یا پس موج انقلابی اسلامی یقیناً بسیاری از سایر کشور های منطقه و جهان اسلام را یکی پس از دیگری در خواهد نوردید. مقدمات این جریان هم اینک در حال فراهمی بوده و آثار و نشان های اولیه آن در حال رخ نمودن می باشند. بسان آتشفشانی که در حال انباشت انرژی پیشا انفجار و آتشفشانی است. چه بسا این موج یا پس موج فراگستر جهان فراسلامی نیز شده و گستره آن جهان پیرامونی و فراپیرامونی جغرافیای سیاسی اسلامی و مسلمانان جهان را فراگیرد.

بیداری و خیزش میان بُرد و میان گستر که در عین حال پیشینه تاریخی و تمدنی این جریان و سیر آن را بر می نمایاند. به سیر تجدید حیات امت اسلامی و مکتب اسلام و تمدن اسلامی بر می گردد. اسلام به عنوان مکتب متکامل(سیر کمالی پلکانی از شریعت آدم تا یهودیت و مسیحیت و تا رسول خاتم به مصداق؛ «تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض»-۲/بقره؛ ۲۵۳) و کامل(یا جامع) توحید و توحیدی، از بدو ظهور با سرعتی شگرف روی به گسترش نهاد. و در مدتی کوتاه اقصی نقاط جهان متمدن عصر را در هم نوردید. و هم اینک نیز در منطقه ای به وسعت میانه اقیانوس آرام تا هند و اقیانوس کبیر را نیز فرا گرفته است. آن هم در میانه عالم، با مواهب خدادادی سرشار، موقعیت بی نظیر راهبردی و نیروهای

انسانی و ثروت انسانی تعیین کننده در هرگونه مناسبات، روابط و نظام جهانی است. اشکال تحریف و انحراف در راهبری راهبردی راهبرد راهبری مکتب، نقطه آغاز اشکال مشکل آفرین درونی در دولت، نظام سیاسی و امت نوپای اسلامی و در جهان اسلام شد. اختلاف مذهب ناشی از آن و آنگاه سوء استفاده ابزاری سیاست بازان حرفه ای و تنازعات داخلی، این تمدن عظیم را به ضعف کشانید، جنگ های دو بیست ساله صلیبی و حملات وحشیانه مغول و تاتار طی سه موج (چنگیز-هلاکو- تیمور) در مدت قریب دوقرن، رمق از تن این تمدن برد. تجدید حیات غرب و نفوذ و سلطه استعماری آن بر جهان اسلام مزید بر علت و وابستگی و عدم توسعه یا از توسعه ماندگی آن گردید. حسیض ضعف و ذلت مسلمانان، پیشتازان را به فکر چاره انداخت. پیروزی جریان اجتهادی در حکمت و فاهت بر جریان سفسطه و اخباری گری با حکمت متعالی معطوف به سیاست صدرایی از سویی و فقه اصولی و اجتهادی استاد وحید بهبهانی تا در نهایت شیخ انصاری آغازی علمی بر این حرکت عملی و اصلاحیست. که با سید جمال الدین آسد آبادی در مقام شارح حکمت متعالی و به عنوان فیلسوف شرق و شاگردی و نمایندگی شیخ انصاری و تلفیق حکمت و فقاقت، پرچم بدياری و خیزش انقلابی اسلامی بلند شده و به اهتزاز در آمد(ر.ک.: نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین و نیز نهضت بیداری در جهان اسلام). و در اقصا نقاط جهان اسلام از هند تا ایران و ترکیه عثمانی و مصر و شامات گسترش یافت(ر.ک.: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، اثر عنایت و اندیشه سیاسی در نهضت های اسلامی، صاحبی). بازنگری و بازبینی که در آراء، آثار و سخنان و نامه نگاشته های سید جمال بویژه در مقالات و سرمقالات مجله عروه الوثقی به قلم سید و شاگردان برجسته مصری وی یعنی محمد عبده و محمد رشید رضا(پدر بنیادگرایی اسلامی اهل تسنن)، از پیشگامان و راهبران بعدی نوخیزی جهان سنی مصر و شامات و شمال افریقا، در این زمره اند(ر.ک.: عروه الوثقی، و سایر آثار سید جمال، عبده و رشید رضا همچون تفسیر المنار، وحی محمدی، خلافت و امامت عظمی، ...). سیر تجدید حیات پس از طی مرحله بازنگری، بازبینی و بازگویی اصلاحی و انقلابی آموزه های دینی-مدنی اسلامی وارد با نگاه، نظریه و نهضت دینی سیاسی مشروطیت در سرتاسر جهان

اسلام وارد مرحله جدیدی شد. نظریه پردازی (آنهم بیشتر توسط علمای دینی و نه جریان روشنفکری) و پیروزی این نهضت ضد استبدادی و تاسیس نظام سیاسی مشروطیت اسلامی سلطنتی، در ایران خود جهشی در جهت قانون و عدالت و اسلام گرایی و نهادینگی آن بود. به نوعی پله و مرتبه پایه و پایگذاری انقلاب اسلامی نیز بوده و به شمار می آید (ر.ک.: نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، استاد مطهری). سرکوب جریان مشروطیت بیداری و خیزش انقلابی اسلامی در اقصا نقاط جهان اسلام بویژه در هند و با کودتاه در مصر و تحریف و انحراف مشروطیت در ایران از منجر به جابجایی قدرت ها و دولت های بیگانه بویژه سلطه انگلیس با شعار مشروطیت موضوعه در مقابل استبداد مطلقه که روسیه تزاری آن عصر حامی آن بود، مسلمانان را در تداوم به فکر بازگشت انداخت. محمد اقبال لاهوری (ر.ک.: مجموعه آثار بویژه احیای فکر دینی، زبور عجم، دیوان اشعار اقبال لاهوری)، پرچمدار موج دوم تجدید حیات با شعار بازگشت به خویشتن دینی و اسلامی خویش شد (ر.ک.: بازگشت به خویشتن و نیز بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی از آثار دکتر شریعتی. آراء و آثار و حرکت علمی اصلاحی علامه شهید مطهری و حتی علامه شهید صدر، اوج بازگشت و نقطه وصل به حرکت انقلابی امام خمینی است. ر.ک.: آثار استاد مطهری بویژه مجموعه جهان بینی ها، امامت و رهبری، جامعه و تاریخ تا نهضت حسینی و مقالاتی در باره جمهوری اسلامی). نهضت های ضد استعماری استقلال طلبان دومین موج تجدید حیات دینی-مدنی اسلامیست. که در ایران با نهضت نفت گره خورده و در بسیاری از کشورهای جهان اسلام و با فروپاشی دولت عثمانی، به تاسیس دولت-ملت های جدید و ولو به ظاهر مستقل منجر شد. ملی شدن کانال سوئز و حتی استقلال هند را در این زمره می توان دانست. با استعمار نوین و نفوذ پنهانی بجای سلطه آشکاره بیگانه و این بار توسط امپریالیسم بلوک غربی-کاپیتالیستی-امریکایی و بلوک شرقی-سوسیالیستی-شوروی، جریان نوخیزی وارد مرحله جدیدی شد. در ایران با کودتاه ۲۸ مرداد امریکایی، در قریب یک دهه با نهضت خرداد ۴۲ مواجه شده و بلافاصله وارد مرحله (فاز) انقلابی اسلامی ضد استبدادی داخلی و ضد استکباری خارجی گردید. بدین ترتیب انقلاب اسلامی موج سوم و سومین موج تجدید حیات تفکر و تمدن

اسلامیست. بدانسان که در تداوم بیداری و خیزش انقلابی اسلامی خاورمیانه بویزه بخش عربی آن، امواج یا پس موج های این موج بلند بوده و به شمار می آید. فراتر از این؛ امواج سه گانه تمدنیست. تجدید حیات تمدن اسلامی و انقلاب اسلامی و بیداری و خیزش انقلابی اسلامی، خود آغازگر موجی فرابلند و فراگستر معنوی و دینی است. در این نگاه؛ بشریت در موج نخست، با گذار از بدویت به مدنیت با تاسیس دولت، حیات سیاسی خویش را آغاز نموده است. موج مدنی و سیاسی با اختراع دولت از چندین هزاره پیش که بین النهرین و ایران، یقیناً و به تایید تاریخ(ر.ک.: گرایش فلسفی سیاسی، نگارنده، و ایران پیشا اسلام، گیریشمن، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند؟ میشل فوکو). این موج برای بشریت یا بشریت طی این موج نخستین مدنی، تمدنی و سیاسی؛ تجارب زیادی در زمینه زندگی سیاسی و اجتماعی و نهادسازی و قانونگذاری و دین مداری را کسب نموده است. حکمت جاودیان شرقی-ایران، بنیاد، نهاد و نماد آنست. تمدن مادی جدید و طی قرون متمادی گذشته تا کنون نیز که موج دوم مادی و ابزاری تمدنی بوده؛ امکانات مادی، فناوری و ابزاری لازم فراهم ساخته است. اگوست کنت فرانسوی پدر پوزیتیویسم و علم و فلسفه و از جمله و بویژه علم سیاست مدرنیستی پوزیتیویستی که آن را اوج علمی مدرن تلقی و تعبیر می نماید مدعیست که پیشتازان علوم جدید تجربی دانشمندان اسلامی همچون ابن سینا و حواجه نصیر هستند. دانشمندانی که مسلمان و ایرانیند(ر.ک.: احصاء علوم، فارابی، مقدمه، بقلم مترجم؛ نقل از تقویم علمی اثر اگوست کنت). هم اینک بسان هواپیمایی که بعد از طی مسافتی در باند فرودگاه، بایسته است از زمین کنده شده(به اصطلاح تیک آف نماید) و به پرواز در آید، هرگونه تداوم در باند زمینی و به اصطلاح تمدن تک ساحتی مادی مدرنیسم، بیشا این، کارامدی نداشته بلکه چه بسا زیان آور و حتی خطرناک است. و شایسته پرواز و تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی فرای توسعه اقتصادی و حتی توسعه و تعادل سیاسی و اجتماعی است. قانون مراحل سه گانه دینی اساطیری، عقلی فلسفی و علمی پوزیتیویستی اگوست کنتی که بیشتر غرب مدار بوده قادر به تفسیر دقیق و تحلیل درست آن نیست. امواج سه گانه دمکراسی هانتیگتون نیز اگر چه اصل امکان و ظرفیت دمکراسی و نیز توسعه در اسلام را

پذیرفته ولی باز فاقد توانایی تفسیر و تحلیل تا ترسیم و تحقق بهینه و بسامان این جریان است. کما اینکه نظریه یا راهبرد و دکترین برخورد تمدن‌های، مبین ناکارایی امواج سه‌گانه دمکراسی وی در تفسیر و تحلیل و در جریان تحقق عملی و عینی است. همچنین طرح بحران هویت و معنویت و خلاء دیانت از طرف وی در آخرین ماه‌های زندگی خود، نیز ضمن رد نگاه امواج سه‌گانه دمکراسی و حتی برخورد تمدن‌های خود وی، مبین و متضمن ادعای موج سومین معنوی در این اثر می‌باشد. امواج سه‌گانه تمدنی کشاورزی، صنعتی و فرا صنعتی یا انقلاب و انفجار ارتباطات و اطلاعات تافلری نیز که باز مادی ولو نر افزاری بوده، چیزی جز دکترینی تحریفی و انحرافی در این راستا نبوده و نیست. معنویت و متعالی که تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی را فرای توسعه مادی، دنبال می‌نماید، موج سوم تمدنی بشری و بشریت بوده و در ماهیت و مبانی و در حقیقت و مبادی تمدن انسانی و انسانیت، فاضله، الهی و خدایی یا خدایگونی و به تعبیری متعالی به شمار می‌آید. موجی تمدن معنوی و متعالی توحیدی که با انقلاب اسلامی باز در ایران و از ایران آغاز شده است (ر.ک.: ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟ میشل فوکو؛ وی از این به عنوان معنویت سیاسی که با کارآمدی عجیب نظریه و نظام جهانی جدیدی را ایجاد و ایجاد می‌سازد. نیز ر.ک.: ایران؛ روح یک جهان بی روح، میشل فوکو).

سوم) بیداری و خیزش انقلابی اسلامی جاری

الف. بیداری و خیزی انقلاب اسلامی هم اینک در منطقه عربی خاورمیانه جریان داشته و جریانی فزاینده و فراگستر تا فراگیرست. بلکه بوده و خواهد بود. کما این که تمامی قرائن، دلایل و تحلیل‌ها نشانگر و موید آنست. جریان بیداری و خیزش اسلامی، به تناسب مذاهب و ملیت‌ها و مقتضیات داخلی و خارجی هریک از کشورها، دولت‌ها و نظامات و جوامع اسلامی متمایز و حتی متفاوت بوده و می‌باشد. در جوامع شیعی، راهبران مذهبی، جلو دارند. و چه در قالب و قواره مقاومت اسلامی و چه انقلاب اسلامی رخ می‌نمایند. در جوامع سنی، به سبب برخی محافظه کاری‌های راهبران دینی سنتی، بیشتر جوانان مسلمان پرچمداری و پیشتازی

حرکت‌ها را بر عهده دارند. چنان‌که از زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز وقتی به جوامع شیعی نام‌نویسه و می‌نویسد، خطاب آن به مجامع و مراکز و راهبردی دینی و مذهبیست. ولی بر فرض وقتی به مصر و مصریان نام‌می‌نویسد، خطاب او به جوانان مصر است (ر.ک.: نامه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی).

راهبرد راهبری و راهبری راهبردی این جریان در منطقه و جهان اسلام، امام خمینی(ره)، راهنمودهای راهبری و تجربه انقلابی نظام جمهوری ایران بوده و می‌توان باشد. البته هر کجا با مقتضیات و ویژگی‌ها و حتی الگوی خاص خویش. و با راهبری میانی و مدیریت اجرایی ویژه خود. بویژه در کشورهایی همانند مصر که می‌تواند الگوبخش سایر جوامع عربی و سنی و آفریقایی باشد.

ب. افزونی سلطه استبدادی-استکباری داخلی-خارجی جوامع اسلامی بویژه ستمگری بی‌حد و حصر همراه با تحقیر آمیزی صهیونیستی اسرائیل و مظلومیت ملت فلسطین و حتی لبنان به پشتیبانی بویژه غرب و آمریکا از سویی و مقاومت اسلامی ملهم از انقلاب و دفاع مقدس اسلامی ایران و پیروزی‌های عزت‌آفرین آن در مقابل خط‌سازش از دیگر سو، موجب تشدید این موج بیداری و خیزش اسلامی گردیده است. پیروزی‌های اخیر انتفاضه اسلامی غزه و فلسطین، در تهاجمات و دفاع سرافرازانه ۲۲ بویژه ۸روزه اخیر و تحمیل بی‌سابقه شرایط خود بر اسرائیل، آغازی بر پایانی است که موج بیداری را جهت داده و جان می‌بخشد.

ج. بحران سرمایه‌داری و کلیت مدرنیسم و سوسیالیسم از سویی و اشغال سرزمین‌های اسلامی بویژه تهاجم به افغانستان و عراق با اهداف امپریالیستی و با شعائر فریبکارانه مبارزه با تروریسم و سقوط صدام و همانند این‌ها و بویژه گیر کردن نیروهای ناتو در باطلاق منطقه و خروج و بلکه اخراج و گریز‌گریز ناپذیر و خفت‌بار آنان از این کشورها، ضمن تشدید بحران غرب و بروز ناکارآمدی و نیز بطلان آن‌ها، به تشدید و تسریع و نیز تسهیل و گسترش برد و دامنه بیداری و خیزش انقلابی اسلامی منطقه‌ای و جهان اسلامی و در آینده جهانی اسلامی منجر شده و بر آن افزوده و خواهد افزود.

د. راهبرد مهندسی، راهبری و مدیریت اجرایی و آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی و مهندسی، راهبری و مدیریت اجرایی و آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی راهبردی

علمی، عملی و عینی جریان جهانی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی، خط میانه متعادل و متعالی سازش گری تفریطی (کنسرواتیسیم؛ محافظه کاری) و شورش گرای افراطی (رادیکالیسم) به مثابه آفات درونی آنست. چنان که هم اینک برخی گروه ها و جریانات محافظه کار و سازشکار از سویی و برخی و گروه ها و جریانات و حتی کشورهای بسان سلفیگری، وهابیت، القاعده، طالبان و خاندان سعودی عربستان آن را نمایندگی و راهبری و حمایت و تقویت می نمایند. بدون بهداشت، درمان و جراحی این غده های چرکین، مواجه با تحریفات و انحرافات زیادی بوده و به این سبب آسیب پذیر بوده و است و خواهد بود. کما این که بدین سبب و به همین نسبت هزینه های معنوی و مادی زیادی گاه جبران ناپذیری را بر روند موج بیداری و خیزش انقلابی اسلامی و بر امت اسلامی تحمیل خواهد ساخت. بدانسان که امروز در حوادث سوریه برای شکست جبهه مقاومت و ایجاد رخنه در آن، با طراحی صهیونیستی-امریکایی-غربی، پشتیبانی ارتجاعی عربی بویژه قطر و عربستان و با پایگاه دولت بظاهر اسلام گرای سکولاریستی ترکیه شاهد آن هستیم. ههر گونه نارسایی یا ناسازواری حقیقت معنوی و ماهیت انقلابی اسلامی این واقعیت و واقعیت این بیداری و خیزش، از ناحیه هر کس و هر نیرو یا نهاد و هر طرفی، خسارت بارست. بویژه به همان میزان، از همان نوع و به همان طرف می باشد. چه از ناحیه نیروها و نهادهای بیداری و خیزش انقلابی اسلامی و بویژه راهبران دینی و مدنی آنان بوده؛ چه از ناحیه ریاست های بالا، میانی و حتی مدیریت های پایین و بویژه دولت ها و دولت مردان نوحاسته باشد. چه از جانب قدرت ها و دولت های ارتجاعی استبدادی-سلطنتی و ملوکی خواه عربی یا غیر عربی منطقه بوده و چه حتی قدرت های استکباری فرامنطقه ای و بلکه خود رژیم جعلی صهیونیستی اسرائیل و توطئه های مداوم آن و آنها به شمار آید. کمترین تحلیل حوادث و جریانات جاری بروشنی نشانگر آنست که جریان نوخیزی ولو تا کنون بارها که با تهدید، تهاجم و سرکوب و حتی انحرافات سازشگری-شورشگری مقطعی مواجه شده ولی جریان اصلی نه تنها هیچگاه و به هیچ وجه از سیر و مسیر اصلی تحریف و منحرف نشده بلکه اگرچه گاهگاهی نیز به تعویق و تاخیر افتاده ولی تقلیل نیافته بلکه تعمیق و تشدید شده است. حتی سرعت بروز و

پیشروی این جریان در حوادث اخیر نیز یکی ناشی از این تراکم شدید و انباشت انرژی متراکم خشم فروخته و عزت در هم شکسته های توده های مردمی بوده و می باشد. در هر صورت حتی به نفع غرب بوده که ولو حقیقت معنوی و ماهیت انقلابی این جریان واقعی نوخیزی را درک نکرده که نمی کند، حداقل احتیاط را رعایت نموده و بجای تهدید یا توطئه به منظور تقلیل یا تحریف، در فکر تسلیم به حقیقت واقعیت و پذیرش و به رسمیت شناساندن واقعیت حقیقی آن شده و با این کنار بیاید. بلکه بتواند بجای سابقه خونین، چرکین و نفرت انگیز چه تاکنون و چه در حال و یا آینده های محتمل، تاحدودی جبران مافات نموده و انتظار مناسبات سالم و سازنده ای در آینده باشد. آنهم در منطقه خاورمیانه بزرگ اسلامی که تعیین کننده معادلات نه تنها سیاسی و امنیتی، بلکه اقتصادی و بویژه فرهنگی و مدنی جهان و جهانی بوده و همچنان و بلکه در آینده بیشا پیش خواهد بود. در این صورت این چنین راهبردی برد-برد و سودهمگانی و همگی طرفهای ذیربط و ذینفع و موثر است. هم به سود منطقه، چه مردم و چه راهبران و دولتمردان آن بوده اعم از اینکه در جبهه مقاومت قرار داشته یا هنوز خارج از آنند. و هم بسود دولت ها و بویژه کشورها و مردم جوامع سایر بخش های فرامنطقه ای و جهان و جهانی خواهد بود. حتی آنانی که هم اینک و هنوز در جبهه مقابل و بلکه مقابله متقابل مقاومت بوده یا به شمار می آیند. امید که همگی از جهالت چه بسیط و چه و بویژه مرکب بیرون آمده و تحلیل و تفسیر درست و دقیقی نسبت به اوضاع، شرایط و جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی دورزاد و دیرپای به نگاه و نظریه واقعی، یقینی و حقیقی دست یافته و با گرایش به حکمت سیاسی متعالی، از جریانات تاریخ ساز کنونی نظام نوین جهانی به نظام جهان نوین گذر نمود. بویژه بایسته و شایسته است این مهم را با برسمیت شناختن قطب جهانی اسلامی، در نظام منطقه ای و بین مللی، ترسیم و تحقق بخشیم. انشاء الله

***برآمد**

بدین ترتیب بایسته و شایسته است موج بیداری و خیزش انقلابی اسلامی منطقه و در آینده جهان اسلامی و فراتر جهانی اسلام را در گستره های امواج دو یا سه گانه موج بلند انقلاب اسلامی تا کنون تعبیر و تفسیر نمود. انقلاب اسلامی خود

موج سوم اصلاحی یا تجدید حیات مکتب و تمدن اسلام‌یست. موج ضد استکباری، ضد استبدادی و مردم سالارانه دینی با شعائر استقلال، آزادی و جمهوری اسلام‌یست. فرا امواج دوگانه؛ یکی و نخست. نهضت ضد استبداد مشروطیت اسلامی سلطنت و دیگری و دوم. نهضت ضد استعماری ملی می باشد. کما این که موج فرابند تاریخی، فرابردی موضوعی (سیاسی+اقتصادی ← فرهنگی) و فراگستر جهان و جهانی تجدید تمدنی و تمدن معنوی و متعالی توحیدی و اسلامی، خود موج سوم و بازپسین تمدنی بشری پسا گذار بدوی-مدنی شرقی-ایرانی، تمدن مادی-مدرنیستی ابزار-فنی و اقتصادی غرب و غربی بوده و موج معنویت و متعالی گرای فرهنگی و اخلاقیست. موج معنویت گرای که اوج آن مهدویت گرای و زمینه ساز و پیش درآمد آن بوده و می تواند باشد. این اشاره ای گذار به پرسمان اعم از؛ معرفت شناسی، روش شناسی، پدیده شناسی شامل هستی شناسی، چیستی شناسی و چگونگی شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی است. و نگاهی پیشینه مدنی تاریخی و پشتوانه دینی و اسلامی، آن می باشد. همچنین بازکاوی سیر متکامل (امواج سه گانه تمدنی-تجدید حیات-انقلابی اسلامی) و ساختار کامل (ضداستکباری-ضد صهیونیستی، ضد استبدادی-ضد سلطنتی و مردم سالارانه) است. همینطور ترسیم چشم انداز فراز آینده استقلال-آزادی-جمهوری اسلامی و توسعه متعالی تا همگرایی و تجدید و تاسیس تمدن اسلامی و تا تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی و مهدوی و چالش ارتقای هرچه فراتر کارآمدی؛ بهره وری و اثربخشی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولتی، عمومی و مردمی ملی و بین مللی و جهانی اسلام‌یست.

بدین سان ضمن مطالب پیشین محتوایی مقاله بایسته است به اهم پرسگان پدیده و پدیده شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی پرداخت. که فراگیر و فراهم آمده پرسه معرفت شناسی، پرسه روش شناسی و پرسه پدیده شناسی بیداری اسلامی است. بویژه پدیده شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی که شامل و برآمد پرسش ها و پاسخ های مراتب سه گانه؛ هستی شناسی یا چرایی و مبادی مدنی-انسانی، چیستی شناسی یا ماهیت دینی-اسلامی و چگونگی شناسی انقلابی-سیاسی یا نمودشناسی و مظاهر بیداری و خیزش انقلابی اسلامی بوده و به شمار

می آید. کما اینکه شایسته است ولو به شکل اجمالی ولی به پیشینه تمدنی و پشتمانه دینی مکتبی مدنی توحیدی دو ساحتی متعالی، سیر متکامل و ساختار کامل انقلابی اسلامی و چشم انداز و چالش بیداری و خیزش معاصر، جدید و جاری توجه نمود.

منابع

قرآن

اقبال لاهوری، محمد، **احیای فکر دینی**، ترجمه آرام، تهران: پایا، بی تا.
اقبال لاهوری، محمد، **دیوان اشعار (کلیات اشعار فارسی مولانا) اقبال**، به
کوشش احمد سروش،
تهران: سنایی، چ ۱، ۱۳۴۳، چ ۲، بی تا، حاوی بسیاری از موارد در زمینه
بیداری اسلامی و
ضرورت آنست. بویژه مرثیه ناله بیداری مرغ سحر که برانگیزاننده نیز
هست.

۲۶

اسد آبادی، سید جمال و عبده، محمد و رشید رضا، محمد، **عروه
الوثقی** (سرمقالات روزنامه عروه
الوثقی)، ترجمه خلحالی، تهران: بی نا، بی تا. و نیز سایر آثار سید جمال،
عبده و رشید
تافلر، الوین و هایدی، **به سوی تمدن جدید، سیاست در موج سوم**، ترجمه
محمد رضا جعفری،
تهران: سیمرغ، چ ۲، ۱۳۷۵.
خمینی، روح الله، **صحیفه نور**، تهران: ارشاد، ۱۳۶۱.
حضرت امام (ره) از کشف اسرار و نیز مصباح هدایت تا جهاد اکبر یا مبارزه
با نفس و
تا وصیت نامه الهی و سیاسی و نیز نامه به گورباچف، به بیداری اسلامی
و مبادی بنیادین
و غایی، مبانی بینشی و منشی و نیز پیام و پیامدهای آن توجه نموده و
توجه داده و می
دهند.
رشید رضا، محمد، **وحی محمدی**، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: قیام، چ ۲،
۱۳۶۱.

- سعدی، گلستان، نرم افزار درج و امین.
- شریعتی، علی، **بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی**، مجموعه آثار، شماره ۲۷، تهران: الهام، ۱۳۶۱.
- شریعتی، علی، **بازگشت به خویشتن، بازگشت به کدام خویشتن؟**، مجموعه آثار، شماره ۴، تهران: حسینیه ارشاد، بی تا.
- صاحبی، محمدجواد، **اندیشه اصلاحی در نهضت های اصلاحی**، تهران: کیهان، ۱۳۶۷.
- صدرا، علیرضا، (پژوهش) **چشم انداز اندیشه سیاسی جهان اسلامی**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- صدرا، علیرضا، **گرایش فلسفی سیاسی**، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
- عنایت، حمید، **اندیشه های سیاسی در اسلام معاصر**، ترجمه خرمشاهی، تهران: خوارزمی، چ ۲، ۱۳۶۵.
- عنایت، حمید، **سیری در اندیشه سیاسی عرب**، تهران: امیر کبیر، چ ۵، ۱۳۷۶.
- فوکو، میشل، **ایران: روح یک جهان بی روح** (و ۹ گفتگو دیگر با میشل فوکو)، ترجمه سرخوش و جهانزاده، تهران: نی، ۱۳۷۹.
- فوکو، میشل، **ایرانیها چه رؤیایی در سر دارند؟** (تهران: ۱۳۵۷) ترجمه معصومی، تهران: هرمس، چ ۳، ۱۳۷۷.
- فوکویاما، فرانسیس، **پایان تاریخ و آخرین انسان**، ترجمه عباس و زهره عربی، تهران: سخنکده، ۱۳۹۲.
- محیط طباطبایی، محمد، **نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین**، قم: دفتر

تبلیغات حوزه علمیه، بی تا.

مراد، آ.، الگار، جامد، ...، **نهضت بیداری در جهان اسلام**، ترجمه جعفری، تهران:
شرکت سهامی
انتشار، ۱۳۶۲.

مطهری، مرتضی، (مجموعه) **مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی**، تهران و قم:
صدرا، بی تا.

مطهری، مرتضی، **پیرامون انقلاب اسلامی**، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم:
بی تا.

مطهری، مرتضی، **پیرامون جمهوری اسلامی**، تهران: صدرا، چ ۵، ۱۳۶۸.

مطهری، مرتضی، **نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر**، تهران: صدرا، چ ۱۳،
۱۳۶۸.

مطهری، مرتضی، **نهضت حسینی**، چ ۳، تهران: صدرا، چ ۴، ۱۳۶۴.
نیچه، فردریش، **چنین گفت زرتشت**، ترجمه داریوش آشوری، تهران: آگاه، چ ۲۲،
۱۳۸۴.

هانتیگتون، ساموئیل، **موج سوم دموکراسی**، در پایان سده بیستم (م.)، ترجمه
احمد شهسا، تهران:
روزنه، ۱۳۷۳.

هانتیگتون، ساموئیل، **برخورد تمدن‌ها و منتقدانش**، تجمیع و ترجمه مجتبی

امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.